

# ergreifen, einmalig روز لغت Wort des Tages

written by مرتضی غلام نژاد | فوریه 4, 2017

einmalig یک صفت می باشد

یکتا ، یگانه ، بی همتا ، بی نظیر ، بی مانند ، تک ، آس ، خیلی خیلی زیبا ، فوق العاده

Eine einmalige Anschaffung

یک تدارک بی نظیر

Eine einmalige Gelegenheit

یک فرصت بی نظیر ، یک فرصت بی مانند

Die Chance ist einmalig

شانس فوق العاده ای است

Die Geburt eines Menschen ist ein einmaliges Ereignis in dessen Leben

تولد یک انسان ، یک اتفاق یگانه ( یکباره ) در زندگی اوست.

Das Konzert gestern war einmalig. Wirklich tolle Musik!

کنسرت دیروز بی مانند بود ، واقعا ارکستر بسیار خوبی ( بود )

Das Stellenangebot war eine einmalige Gelegenheit, die ich einfach ergreifen musste

آن پیشنهاد کار یک موقعیت فوق العاده بود ، که من باید ( فوراً ) نسبت به آن اقدام میکردم

ergreifen یک فعل می باشد

به دست گرفتن ، چیزی را با دست گرفتن و آن را نگهداشتن ، اقدام کردن ، تصمیم گرفتن ، شروع کردن ، دست به انجام کاری

زدن ، دست به کار شدن ، دچار شدن ، مبتلا شدن ، گرفتار شدن ، سرایت کردن ، دستگیر کردن ، قاپیدن

و اگر در نقش یک فعل Reflexiv باشد آنگاه به معانی زیر است :

تحت تأثیر قرار گرفتن ، اثر گذاشتن ، شوک وارد آمدن ، متأثر شدن ، ضبط کردن ، تصرف کردن اموال ، به عهده گرفتن ،

دردست گرفتن ، به خود اختصاص دادن ، مورد حمله قرار گرفتن

ergriffen : گذشته ساده

haben ergriffen : گذشته کامل

Ein Glas ergreifen

یک لیوان را به دست گرفتن

Jemandes Hand ergreifen

دست کسی را در دست گرفتن و آنرا نگهداشتن

Ein Kind bei der Hand ergreifen

یک بچه را در دست نگهداشتن

Einen Dieb ergreifen

یک دزد را دستگیر کردن

Der Täter konnte sofort ergriffen werden

می تونست مجرم سریع دستگیر شود

Einen Beruf ergreifen

یک شغل یا حرفه را در دست گرفتن ، یک کار یا حرفه را شروع کردن

Er ergriff das Bild und hob es hoch

او عکس را قاپید و (در هوا) بلند کرد.

Die Musik hat mich tief ergriffen

آن موزیک خیلی مرا تحت تاثیر قرار داد

آن موزیک به طور عمیق روی من تاثیر گذاشت